

ارائه مدلی جهت تبیین رضایت زناشویی با استفاده از سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض

زینب اکرمی^۱، محمدعلی احمدوند^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران جنوب

^۲ دکتر روانشناسی، دانشگاه آزاد تهران جنوب

نام نویسنده مسئول:

زینب اکرمی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش ارائه مدلی جهت تبیین رضایت زناشویی با استفاده از سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض در بین کارکنان متأهل آموزش و پرورش شهر یزد، بود. بدین منظور، از بین کارکنان متأهل آموزش و پرورش شهر یزد در سال ۱۳۹۵، ۲۲۵ نفر، به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شدند و به پرسشنامه دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰)، پرسشنامه حل تعارض ویکز (۱۹۹۴)، فیشتر و واری (۱۹۹۱) و پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ، پاسخ دادند. داده‌های به دست آمده با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی و روش تحلیل مسیر، مورد ارزیابی آماری قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و با افزایش سبک ایمن، بر رضایت زناشویی افزوده می‌شود. رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی و رضایت زناشویی نیز منفی بود بدین ترتیب، با گرایش به سمت سبک اضطرابی، از میزان رضایت زناشویی کاسته می‌شود. رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با حل تعارض سازنده معنادار و مثبت بود. یافته‌ها همچنین نقش واسطه‌گری سبک‌های حل تعارض سازنده در رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی را مورد تأیید قرار داد. با توجه به یافته‌ها می‌توان رضایتمندی زناشویی را با توجه به سبک‌های دلبستگی و از طریق آموزش سبک‌های حل تعارض سازنده بهبود بخشید.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی - سبک‌های حل تعارض - رضایت

زناشویی - کارمندان متأهل آموزش و پرورش.

مقدمه

رضایتمندی زناشویی نشان دهنده ارزیابی کلی فرد است و عدم رضایتمندی، منعکس کننده آن ارزیابی است که در آن ویژگی‌های منفی بارز هستند و ویژگی‌های مثبت وجود ندارند. رضایت زناشویی یکی از عوامل موثر در ثبات و پایداری خانواده‌ها و در عین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان و همچنین جامعه است (دانش و حیدریان، ۱۳۸۵). در روابط زناشویی عوامل متعددی باعث رضایت همسران از یکدیگر می‌شود و بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. رضایت زناشویی در واقع، سنگ زیربنای عملکرد خوب خانواده بوده و نقش والدینی را تسهیل و عمر زن و شوهر را زیاد می‌کند (کومبز^۱، ۱۹۹۱)، باعث افزایش سلامتی (دمو و آلین^۲، ۱۹۹۶)، توسعه اقتصادی، رضایت بیشتر از زندگی (ناک^۳، ۱۹۹۵)، کاهش مشکلات روان‌شناختی، مدیریت بهتر تعارض (آبراهام و براین^۴، ۲۰۰۰)، مهارت‌های ارتباطی و حل مسأله (جانسون و همکاران^۵، ۲۰۰۵) و مهارت‌های بهتر حل تعارضات می‌شود (نقل از حسینیان و شفیع‌نیا، ۱۳۸۸). اکثر زن و شوهرها در ابتدای زندگی مشترک، رضایت زناشویی یکسانی را نشان می‌دهند، اما به دلایل مختلف در طی زمان درجه رضایت زناشویی متفاوتی را نشان می‌دهند. این مسائل نشان می‌دهد که رضایت زناشویی از عوامل متعدد و به صورت متفاوت از دیگر متغیرها تأثیر می‌پذیرد و سبک‌های دلبستگی و عشق از جمله این عوامل است (گاتمن^۶، ۱۹۹۹؛ مارکمن^۷ و همکاران، ۱۹۹۴؛ حمیدی، ۱۳۸۶).

امروزه نظریه دلبستگی یکی از مؤثرترین نظریه‌ها در مطالعه روابط بین‌فردی است. بر اساس این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک‌های دلبستگی ناشی از تجارب افراد در روابط نزدیک قبلی است و با روابط دلبستگی بین کودک و مراقبان اولیه شروع می‌شود (میکولینسر و شیور^۸، ۲۰۰۳ به نقل از کریمی، کرمی و دهقان، ۱۳۹۳). دلبستگی پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر و یا افرادی که کودک در تعامل منظم و دائم با آن‌هاست، ایجاد می‌شود (پاپالیا^۹، ۲۰۰۲). ارکان و مفاهیم نظریه دلبستگی ریشه در نظریه روابط شیء دارد که خود از نظریه روانکاوی نشأت گرفته است. نظریه روابط شیء، چگونگی تأثیرگذاری الگوهای دلبستگی اولیه را بر کودکان زمانی که رشد می‌کنند و شخصیتشان شکل می‌گیرد مورد بررسی قرار می‌دهد (نوابی نژاد، دوکانه‌ای فرد و آقاجانی، ۱۳۸۸).

اینورث^{۱۰} (۱۹۷۹)، سه سبک مختلف دلبستگی را شناسایی کرد که عمدتاً امنیت و راحتی افراد را فراهم می‌کنند. آن‌ها کودکان را در سه گروه طبقه‌بندی کردند: ۱- ایمن^{۱۱}؛ ۲- اجتنابی^{۱۲}؛ ۳- اضطرابی - دوسوگرا^{۱۳}. در ادامه برخی دیگر از محققان نیز این سبک‌ها را در بزرگسالان شناسایی کردند (اینورث، ۱۹۸۵؛ بارثولومئو و هاروویتز، ۱۹۹۱؛ فیینی و نولر^{۱۴}، ۱۹۹۶؛ هازان و شاور، ۱۹۸۷). این سبک‌ها (پاسخ‌های دلبستگی درونی شده ی دوران کودکی) در روابط نزدیک در بزرگسالی فعال می‌شوند و ظرفیت لازم برای ارتباط اثربخش، صمیمیت، امنیت و آرامش را فراهم می‌سازند (اکانل-کوکران و مالینکرودت^{۱۵}، ۲۰۰۰؛ کریتندن^{۱۶}، ۱۹۹۲؛ کوباک و هازان^{۱۷}، ۱۹۹۱). بارثولومئو و هاروویتز (۱۹۹۱)، مدل چهار گروهی از دلبستگی بزرگسالان (ایمن، دل مشغول^{۱۸}، ترسان^{۱۹}، نفی کننده^{۲۰}) را پیشنهاد کردند (اگوز دوران و کارپرماک^{۲۱}، ۲۰۰۸؛ نیلفروشان و نویدیان، ۱۳۹۳). سبک‌های دلبستگی، تعیین کننده‌ی قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کنند. افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای نظم‌دهی و پردازش اطلاعات هیجانی، راهبردهای متفاوتی به کار می‌برند (شاور، کولینزو کلاک^{۲۲}، ۱۹۹۹). آن‌هایی که سبک دلبستگی ایمن دارند برای نظم‌دهی به هیجان‌ها^{۲۳} از راهبردهایی

1- Cumbez, M.

2- Demo, N., & Elin, S.

3- Nock, E.

4- Abraham, E., & Brine, A.

5- Jahnsen, T.

6- Gottman, J.M.

7- Markman, H.J.

8- Mikulincer, M., & Shaver, P.

9- Papalia, D.E.

10- Ainsworth, M.S.

11- secure

12- avoidant

13- anxious/ambivalent

14- Feeny, J.A., & Noller, P.

15- O'Connell- Corcoran, N.K., & Mallinkrodt, B.

16- Crittenden, P.M.

17- Kobak, R.P., & Hazan, C.

18- preoccupied adult

19- fearful type

20- dismissing attachment style

21- Oguz Duran, N.O., & Karairmak, O.

22- Shaver, P., Collins, L., & Clark, C.L.

23- emotions

سود می‌جویند که تنیدگی را به حداقل می‌رساند و هیجان‌های مثبت را فعال می‌سازد (میکولینسر و فلورین^{۲۴}، ۲۰۰۱؛ سپاه منصور، امامی‌پور و حسن زاده فرشید، ۱۳۸۸).

پژوهش‌ها حاکی از آن است که رضایتمندی زناشویی زوجین با سبک‌های حل تعارض همبستگی بالایی دارد (برادبری، فیچام و بیچ^{۲۵}، ۲۰۱۲)؛ زوج‌های سازگار، اعمال مثبت همسران خود را ارج می‌نهند و راحت‌تر می‌توانند اعمال منفی آن‌ها را تحمل کنند، در مقابل زوج‌های ناسازگار، بیشتر به موارد منفی فکر کرده و زمان زیادی را صرف توجه به جنبه‌های ناخوشایند همسران خود می‌کنند و در درک ویژگی‌های جبران‌کننده و مثبت آنان مشکل دارند (دیباچی فروشانی، امامی و محمدی، ۱۳۹۰). پژوهش برادبوری و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد زوجینی که رفتارهای رقابت‌آمیز با همسرانشان داشتند، رفتارهای اجتنابی بیشتری در برابر آنان از خود نشان دادند (برادبری، فیچام و بیچ، ۲۰۱۲) پژوهش دیگری نشان داد بزرگسالانی که راهبردهای حل تعارض سازنده‌تری دارند، رضایت زناشویی آن‌ها بادوام‌تر است (استوبر^{۲۶}، ۲۰۰۵؛ باباپور خیرالدین، ۱۳۸۵).

تعارض بخش اجتناب‌ناپذیر هستی انسان است، خواه در زندگی شخصی و خواه در زندگی جمعی، هر زمان و هر جا که افراد به صورت گروهی باشند احتمال رخداد تعارض وجود دارد. همچنین تعارض می‌تواند هم به رشد روابط مثبت و هم به رشد تعارض بینجامد. در واقع داشتن شیوه‌های حل تعارض منطقی، مانع مؤثری در برابر تعارض‌های منحل‌کننده خانواده است و حتی می‌تواند به حل بهتر مسایل پیش روی زوجین کمک کند (حسینیان و شفیع‌نیا، ۱۳۸۸). به طور کلی تعارض به دو نوع سازنده و غیرسازنده تقسیم می‌شود. تعارض سازنده بر مصالحه و راه‌حل‌های مناسب و مثبت استوار است و تعارض غیرسازنده بر تهدید و راه‌حل‌های استبدادی و نامناسب (حسینی، نظری، رسولی، شاکرمی، و حسینی، ۱۳۹۳). ابعاد دوگانه تعارض (با محوریت رقابت و مشارکت) که موجب روی دادن رفتار تعارض‌آمیز می‌شود در مطالعات بلک و موتون^{۲۷} (۱۹۹۴)؛ داتزچ^{۲۸} (۱۹۹۸)؛ رحیم (۱۹۸۳)؛ توماس^{۲۹} (۱۹۷۶)، مورد بررسی قرار گرفته و از سوی بسیاری از نظریه‌پردازان بسط داده شده است، از جمله رابرت بلک و موتون (۱۹۶۴)، مدل دو بعدی برای توصیف سبک‌های مختلف حل تعارض در موقعیت‌های بین‌فردی ارائه دادند. آن‌ها بیان کردند که افراد هنگام تعارض مقدار مشخصی از هر دو بعد اهمیت دادن به خود و اهمیت دادن به دیگران را نشان می‌دهند (بن‌اری و هیرشبرگ^{۳۰}، ۲۰۰۹؛ بیرامی، باباپور خیرالدین، هاشمی نصرت‌آباد، اسمعیلی و بهادری خسروشاهی، ۱۳۹۲) نظریه‌پردازان متأخر معتقدند که اهمیت دادن به خود و دیگران دو بعد مجزایی هستند که می‌توان آن‌ها را با هم ترکیب نمود و سبک‌های پنج‌گانه، مسلط، الزام‌شده، اجتنابی، مصالحه‌گر و یکپارچه‌سازی را برای حل تعارض خلق کرد (رحیم، ۱۹۸۳؛ رحیم و بوناما، ۱۹۷۹؛ به نقل از کرمی بلداجی، ثابت‌زاده، فلاح‌چای و زارعی، ۱۳۹۳). چنین به نظر می‌رسد که تعاملات متعارض در روابط نزدیک، به ویژه تعارضات زناشویی سبک‌های دلبستگی را در افراد فعال می‌کند (کویاک و داملر، ۱۹۹۴). شمار زیادی از پژوهش‌های گذشته (کاریرماک و دوران، ۲۰۰۸؛ بن‌اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹؛ شی، ۲۰۰۳؛ کوکران و مالینکروودت^{۳۱}، ۲۰۰۰؛ کریزی و هسن مکینز، ۲۰۰۱؛ اسپچراف و بارثولومئو^{۳۲}، ۱۹۹۵؛ لوی و داویس، ۱۹۸۹؛ پیستول، ۱۹۸۹؛ سیمون و همکاران، ۱۹۹۶)، با بکارگیری متدولوژی مختلف نشان می‌دهند که ارکان و مفاهیم نظریه دلبستگی در زمینه روشن‌سازی فرایندهای تعارض به کار گرفته شده‌اند و دلبستگی بر سبک‌های مختلف حل تعارض در روابط نزدیک تاثیر می‌گذارد (امان‌الهی و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به مجموع مطالب ارائه شده در مورد متغیرهای سبک‌های دلبستگی، سبک‌های حل تعارض و رضایت زناشویی و ارتباط دو به دو متغیرهای مذکور و با عنایت به این که سبک‌های دلبستگی از طریق فراهم‌سازی ظرفیت لازم برای ارتباط اثربخش، صمیمیت، امنیت و آرامش، سبک‌های حل تعارض را متأثر و رضایتمندی زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، می‌توان مدلی به صورت زیر ارائه کرد که در آن سبک‌های دلبستگی با واسطه‌گری سبک‌های حل تعارض بر رضایتمندی زناشویی تاثیر می‌گذارد (شکل ۱). بنابراین مسأله اصلی پژوهش حاضر بدین قرار خواهد بود که آیا سبک‌های حل تعارض نقش واسطه‌گری معناداری در رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی دارد؟

24 - Mikulincer, M., & Florian, V.

25 - Bradbury, T.N., & Fiacham, F.D., & Beach S.R.H.

26 - Steuber, K.R.

27 - Black, R., & Motun, E.A.

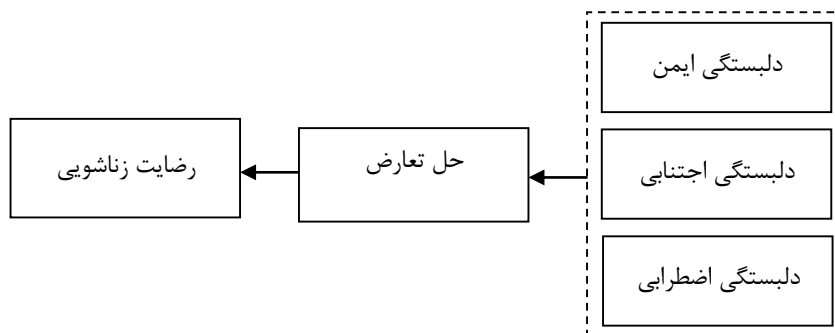
28 - Datzch, W.

29 - Tomas, E.

30 - Ben-Ari, I., & Hishberg, I.

31 - Corcoran, N.K., & Mallinckroodt, B.

32 - Scharfe, E., & Bartholomew, K.



شکل ۱: مدل پیشنهادی پژوهش

روش

- جامعه و نمونه‌ی آماری

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که جامعه‌ی آن شامل تمامی کارکنان متأهل آموزش و پرورش شهر یزد در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. حجم جامعه، بنابر استعلام از اداره آموزش و پرورش یزد تعداد ۱۳۰۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر با استفاده از جدول مورگان ۲۲۵ نفر برآورد گردید. نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین کارکنان جامعه فوق انجام شد.

- ابزارهای اندازه‌گیری

۱) **مقیاس بازنگری شده دل‌بستگی کولینز و رید (RAAS):** این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ارتباط و شیوه شکل‌دهی به دل‌بستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده می‌باشد، که توسط علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت که برای هر ماده (که از ۰ = اصلاً ویژگی من نیست تا ۴ = کاملاً ویژگی من است) سنجیده می‌شود. برخی از ماده‌های این آزمون به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. تحلیل عوامل، ۳ زیرمقیاس ۶ ماده‌ای شامل سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را مشخص می‌سازد. مدت اجرای پرسشنامه بر اساس زمینه‌یابی انجام شده ۱۰ دقیقه می‌باشد که هم به صورت فردی و هم گروهی قابل اجراست اما باید در محیطی آرام اجرا شود. کولینز و رید نشان داده که زیرمقیاس‌ها در فاصله زمانی ۲ و ۸ ماه پایدار ماندند، و میزان آلفای کرونباخ را برای سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ گزارش کردند. این پرسشنامه توسط پاکدامن (۱۳۸۰) در نمونه‌ی ایرانی اعتباریابی، رواسازی و هنجاریابی شده است. در پژوهش بشارت (۱۳۷۹) ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ گزارش شده است و در پژوهش حاضر نیز به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۶۷ و ۰/۸۳ به دست آمد.

۲) **پرسشنامه سبک‌های حل تعارض^{۳۳} (CRQ):** این پرسشنامه برای اندازه‌گیری ایده‌های حل تعارض و توانایی شخص در خلق و ارائه راه حل‌های برد-برد توسط ویکز^{۳۴} (۱۹۹۴) و فیشر و واری^{۳۵} (۱۹۹۱) ساخته شده است. عبارات این پرسشنامه ادراک و برداشت پاسخ دهندگان را بر مبنای این که معمولاً چگونه در رفتارهای خاص مرتبط با تعارض وارد می‌شوند و میزان آگاهی آن‌ها را از موضوع تعارض می‌سنجد (علیرضایی، ۱۳۸۸). هن اینگ (۲۰۰۳) ضرایب پایایی این ابزار را با استفاده از روش تصنیف ۰/۶۹ و با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۷ به دست آورد. ارزیابی کلی این پرسشنامه نشان می‌دهد با استفاده از روش دونیمه کردن نمره دو فاکتور دو و هفت از کل فاکتورهای این تست پایا و معتبر بودند. پرسشنامه روایی سازه خوبی داشته و درمقایسه با تست ROCI-I از روایی همزمان خوبی برخوردار است. اعتبار سازه با روش تحلیل عوامل وجود ۱۰ زیرمقیاس پرسشنامه را تایید کرد (علیرضایی، ۱۳۸۸؛ به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین افضل رحیم به نقل از اعتباریان و پورولی (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ را ۰/۸۴ و ۰/۸۲ به دست آورد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد.

۳) **پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی انریچ:** توسط اولسون^{۳۶} و همکاران (۱۹۹۸) ساخته شد و برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه متشکل از بازشناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رابطه زناشویی به کار می‌رود. فرم کوتاه آن دارای ۴۷ سؤال است که به صورت پنج گزینه‌ای

³³ - Conflict Resolution Questionnaire

³⁴ - Weeks, A.

³⁵ - Fisher, C., & Ury, T.N.

³⁶ - Olson

با پاسخ‌های از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، در نظر گرفته شده است که به هر گزینه از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. روش نمره‌گذاری در برخی از گویه‌ها معکوس است. اولسون و همکاران (۱۹۹۸) پایایی این مقیاس را، با استفاده از روش ضریب آلفا، ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در ایران اولین بار سلیمانان و نوابی نژاد (۱۳۷۳)، همبستگی درونی آزمون برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه و گزارش کرده‌اند، همچنین در تحقیق آنان ضریب اعتبار (آلفای محاسبه شده) ۰/۹۳ به دست آمده است. در پژوهش مهدویان (۱۳۷۶) در بررسی پایایی آزمون با استفاده از روش بازآزمایی، به فاصله یک هفته (برای مردان ۰/۹۳۷ و برای زنان ۰/۹۴۴) و برای زنان و مردان (۰/۹۴) به دست آمد. از نظر روایی پرسشنامه ثنایی (۱۳۷۹) ضریب همبستگی آن را با مقیاس رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ به دست آورده است که نشان دهنده‌ی این است که پرسشنامه از روایی ملاکی خوبی برخوردار است. در پژوهش حاضر ضرایب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

- روش تحلیل داده‌ها

به منظور توصیف، تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از روش ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام توسط نرم افزار آماری SPSS-20 و به منظور تعیین برازش مدل مورد مطالعه از مدل معادلات ساختاری در نرم افزار AMOS-20 برای تحلیل مسیر متغیرهای مشاهده‌پذیر با استفاده از ماتریس همبستگی بهره‌گیری به عمل آمد. لازم به ذکر است که کلیه محاسبات این پژوهش با مرز استنتاج آماری $P < 0.05$ انجام پذیرفت.

یافته‌ها

بر طبق یافته‌های به دست آمده ۵۰/۷ درصد از کارمندان مورد مطالعه را زنان و ۴۹/۳ درصد از آن‌ها را مردان تشکیل داده‌اند. ۱۶ درصد از کارمندان در سطح دبلم، ۴۰ درصد از آنان کاردانی، ۳۲ درصد کارشناسی و ۱۲ درصد از کارمندان نیز بالاتر از کارشناسی ارشد و دکترا دارند. از نظر سابقه کار نیز ۲۳/۶ درصد از کارمندان ۱۰ سال و کمتر، ۲۸/۴ درصد از آنان ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۶/۷ درصد از کارمندان بین ۲۰ تا ۳۰ و ۲۱/۳ درصد نیز ۳۰ سال و بیشتر سابقه کار دارند. از نظر سن، ۲۴/۹ درصد از کارمندان بین ۲۳ تا ۳۳ سال، ۲۷/۶ درصد از آنان بین ۳۴ تا ۴۴ سال، ۲۵/۸ درصد از آنان ۴۵ تا ۵۴ سال و ۲۱/۸ درصد از آن‌ها نیز ۵۵ سال و بیشتر سن داشتند.

به منظور ارائه تصویری روشن از وضعیت متغیرها و رابطه‌ی بین آن‌ها، در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی پیرسون (مرتبه صفر) آورده شده است. همانگونه که جدول ۱ نشان می‌دهد همبستگی و روابط دوتایی بین متغیرهای پژوهش معنی‌دار است و همین مساله مجوزی برای انجام تحلیل مسیر در مرحله‌ی بعدی گردید.

جدول ۱: ماتریس همبستگی مشاهده شده بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	M	SD
۱- دلبستگی ایمن	۱					۱۱/۵۳	۳/۳۴
۲- دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۰۳	۱				۱۰/۹۲	۳/۹۱
۳- دلبستگی اضطرابی	۰/۴۷۶**	۰/۲۰۴**	۱			۱۳/۷۱	۲/۹۸
۴- رضایت زناشویی	۰/۵۸۷*	-۰/۰۶۱	-۰/۱۶۹*	۱		۹۸/۳۳	۱۱/۶۳
۵- حل تعارض سازنده	۰/۱۸۵**	-۰/۰۷۲	-۰/۱۵۰*	۰/۲۲۸**	۱	۱۳۰/۵	۲۶/۱

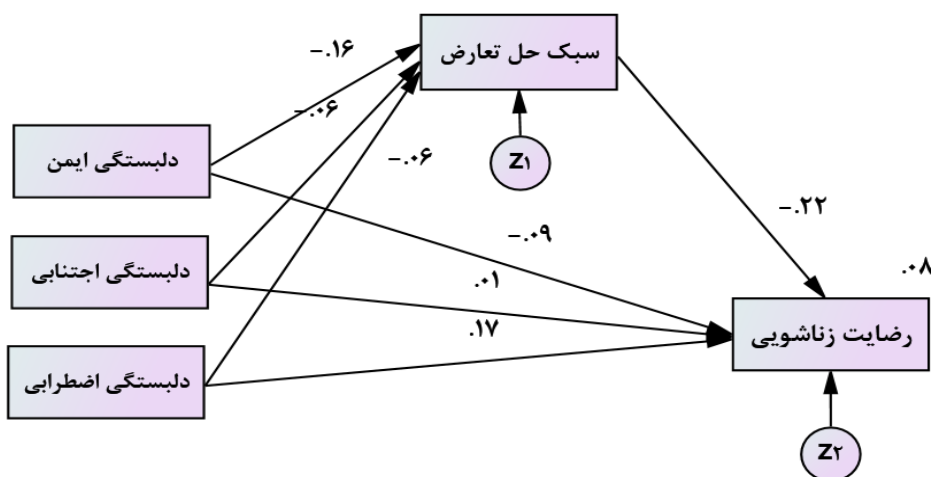
* $P < 0.05$ & ** $P < 0.01$

جهت بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض و دلبستگی از رگرسیون خطی چندمتغیره و روش گام به گام استفاده گردید، برآوردهای مربوط به تحلیل رگرسیون در جدول ۲ گزارش شده است. جدول ۲ بیانگر این است که متغیرهای باقیمانده در معادله رگرسیون (سبک دلبستگی اضطرابی و سبک‌های حل تعارض توافق سود مقابل و سود متقابل) در مجموع ۷ درصد از واریانس متغیر وابسته (رضایت زناشویی) را پیش‌بینی می‌کنند؛ با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار کوچک برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیرهای فوق در حد ضعیف توان پیش‌بینی واریانس رضایت زناشویی را دارند. اثر سبک دلبستگی اضطرابی بر متغیر رضایت زناشویی مستقیم و در حد متوسط رو به پایین و اثر سبک‌های تعارض؛ توافق سود مقابل و سود متقابل بر این متغیر معکوس و در حد متوسط رو به پایین برآورد شده است.

جدول ۲: برآورد رگرسیون جهت پیش‌بینی رضایت زناشویی از طریق سبک‌های حل تعارض و دلبستگی

Model Summary					
مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار	
	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۰۶	۱۱/۲۶	
ANOVA					
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
رگرسیون	۲۲۴۳/۴۲	۳	۷۴۷/۸۱	۵/۸۹	۰/۰۰۱
باقیمانده	۲۸۰۴۸/۲۴	۲۲۱	۱۲۶/۹۱		
کل	۳۰۲۹۱/۶۶	۲۲۴	-		
Coefficients					
مدل	ضرایب غیراستاندارد				Sig
	α	B	خطای معیار	ضرایب استاندارد	
			Beta	t	
دلبستگی اضطرابی	۱۰۹/۳۸	۰/۶۹	۰/۲۵	۲/۷۳	۰/۰۰۷
توافق سود مقابل		-۰/۵۵	۰/۲۳	-۲/۳۴	۰/۰۲۰
سود متقابل		-۱/۰۵	۰/۴۶	-۲/۲۹	۰/۰۲۳

برای بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی بر رضایت زناشویی با واسطه‌گری سبک‌های حل تعارض از روش تحلیل مسیر با بکارگیری نرم افزار AMOS-20 استفاده شد. مطابق با یافته‌ها سبک حل تعارض نقش واسطه‌گری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی ایفا می‌کند.



شکل ۲: مدل مسیر اثر سبک‌های دلبستگی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری سبک حل تعارض (مدل نهایی)

مطابق با شکل ۲ و جدول ۳ سبک‌های دلبستگی و حل تعارض در مجموع ۸ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند که با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار کوچک برآورد می‌شود، به عبارت دیگر سبک‌های دلبستگی و حل تعارض در حد ضعیف توان پیش‌بینی واریانس متغیر رضایت زناشویی را دارند. اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن بر رضایت زناشویی به لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/05$). بنابراین سبک حل تعارض در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی نقش میانجی ایفا می‌کند، با توجه به اینکه اثر مستقیم سبک دلبستگی ایمن بر رضایت زناشویی به لحاظ آماری معنادار نیست بنابراین میانجی‌گری سبک حل تعارض از نوع کامل برآورد می‌شود، در نهایت اینکه با مدنظر قرار دادن مقدار ضریب غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن بر رضایت زناشویی، این اثر مستقیم و در حد ضعیف برآورد می‌شود. اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بر متغیر رضایت زناشویی به لحاظ آماری معنادار نیست ($p > 0/05$). بنابراین سبک حل تعارض در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با متغیر رضایت زناشویی نقش میانجی ایفا

نمی‌کند، به عبارت دیگر مقدار اثر غیرمستقیم ضعیف سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بر متغیر رضایت زناشویی در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

جدول ۳: برآورد اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های حل تعارض و دلبستگی بر رضایت زناشویی

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	ضریب تعیین	برآورد						
				کل		مستقیم		غیرمستقیم		
				اثر	p	اثر	p	اثر	p	
دلبستگی ایمن	سبک حل تعارض	رضایت زناشویی	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۴۲۵	-۰/۰۹	۰/۲۸۴	۰/۰۳	۰/۰۱۳	تأیید
دلبستگی اجتنابی				۰/۰۲	۰/۷۵۱	۰/۰۱	۰/۸۷۵	۰/۰۱	۰/۲۲۵	رد
دلبستگی اضطرابی				۰/۱۸	۰/۰۲۰	۰/۱۷	۰/۰۲۸	۰/۰۱	۰/۳۵۸	رد
سبک حل تعارض				-	-	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	-	-	-

مطابق داده‌های جدول ۴، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل مسیر در مجموع بیانگر این است که برازش داده به مدل در وضعیت قابل قبولی دارد، به عبارت دیگر با مدنظر قرار دادن دامنه مطلوب برای این شاخص‌های می‌توان گفت داده‌ها مدل نظری پژوهش را تا حد زیادی حمایت می‌کنند، در نتیجه این شاخص‌ها دلالت بر قابل قبول مدل دارند.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص	آزادی درجه	کای اسکوتر نسبی	شاخص برازش تطبیقی	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد	HOELTRE
مقدار	۳	۴/۴۱	۰/۸۹	۰/۵۰	۰/۰۸	۸۵

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش ارائه مدلی جهت تبیین رضایت زناشویی با استفاده از سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض بود. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های دلبستگی قادر به پیش‌بینی تغییرات مربوط به رضایت زناشویی هستند. همچنین سبک‌های دلبستگی قادر به پیش‌بینی سبک‌های حل تعارض می‌باشند. یافته‌ها همچنین نقش واسطه‌گری سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی را مورد تأیید قرار داد.

طبق مبانی نظری تحقیق، افراد مختلفی که سبک دلبستگی متفاوتی دارند تجارب متفاوتی در روابط عاشقانه تجربه می‌کنند. بررسی‌های صورت گرفته در مورد ویژگی‌های افراد متعلق به سبک‌های مختلف دلبستگی و تأثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و رابطه با همسر موید آن است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط نشان دهنده دلبستگی ایمن است. افراد دوسوگرا معمولاً در روابط خود ترس از طرد شدن دارند و افراد اجتنابی در روابط صمیمانه احساس آسودگی و راحتی نمی‌کنند. می‌توان رضایت زناشویی را به عنوان یک موقعیت روان شناختی در نظر گرفت که به خودی خود به وجود نمی‌آید. سبک‌های دلبستگی که زوجین با آن انطباق یافته‌اند، یکی دیگر از عوامل موثر در رضایت همسران از یکدیگر هستند. بزرگسالان با تجربه سبک‌های دلبستگی متفاوت، افکار و احساس‌هایی پیدا کرده‌اند که بی‌تردید، در نگرش آنان نسبت به پدیده‌ها و افراد بر شیوه رفتار با کودکانشان، تأثیر می‌گذارد. مری مین و همکارانش به پیروی از سنت کردارشناسانی چون بالبی در یک مصاحبه درباره دلبستگی، از پدران و مادران درباره خطرات دوران کودکی‌شان سوال کردند. مین با تأکید بر قابلیت انعطاف و پذیرابودن پاسخ‌های والدین نوعی سنخ‌شناسی را مطرح کرد که ثابت شده است با طبقه بندی کودکان در موقعیت ناآشنا، کاملاً همبستگی دارد (مین، ۱۹۹۰؛ به نقل از کرین، ۱۳۹۱؛ خوش لهجه و صلیبی، ۱۳۹۴). توصیفی از عشق که بوسیله‌ی تئوری دلبستگی بیان شده عواطف مثبت و منفی را شامل می‌شود: مثل ترس از صمیمیت، حسادت، دوره‌های خوشی و ناخوشی عاطفی، مراقبت، صمیمیت و اعتماد. این نظریه جدایی و فقدان را بررسی کرده و شرح می‌دهد تنهایی و عشق چگونه با هم رابطه دارند. افراد با سبک دلبستگی متفاوت باورهای متفاوتی را درباره‌ی دوره‌ی عشق رمانتیک، در دسترس بودن، قابلیت اعتماد شرکای عشقی و آمادگی عشق در خودشان دارند. این باورها ممکن است بخشی از دایره‌ای (دور باطل افراد ناایمن) باشد که در آن تجربه بر باورهای فرد درباره خود و دیگران تأثیر می‌گذارد و این باورها نیز بر رفتار و پیامدهای ارتباطی اثر خواهد گذاشت. یک شخص با دلبستگی ایمن ممکن است در تلاش برای برقراری ارتباط با یک شخص مضطرب/دوسوگرا مجبور شود سبک اجتنابی را احساس کرده و عمل کند. یک شخص با دلبستگی اجتنابی ممکن است باعث شود طرف مقابلش که سبک دلبستگی ایمن دارد سبک اضطرابی را احساس کرده و عمل کند.

از سوی دیگر، توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده می‌تواند یک ارتباط قوی را در رابطه‌ی زوج شکل دهد و زوج‌ها را برای ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی و نزدیک کمک کند (ساموئانو، ۲۰۱۳). روش سازنده برای رسیدگی به تعارضات در رابطه‌ی زناشویی، باعث تسهیل صمیمیت می‌شود در حالی که راه‌های مخرب مقابله با تعارض، ممکن است اختلال و اضطراب را در رابطه‌ی زوجین تشدید کند (دیلدار، سیتوات و یاسین، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها حاکی از آن است که انتخاب روش زوج‌ها برای مدیریت تعارض در روابط‌شان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در کیفیت کلی رابطه است (ویلر، کیمبرلی و شاون، ۲۰۱۰).

بررسی‌ها نشان داده است که سلامت خانواده‌ی اصلی در کیفیت زندگی آینده‌ی فرزندان موثر است. ویسز (۲۰۱۴)، نشان داد که خانواده‌ی اصلی در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی اثر پایداری دارد. پژوهش‌ها بیانگر رابطه‌ی سلامت خانواده‌ی اصلی با سازگاری زناشویی (مورارا و ترلک، ۲۰۱۲)، صمیمیت و استقلال ادراک شده در زنان (جوزوفیک و ووجشک، ۲۰۱۰)، روابط رضایت بخش زناشویی (سانگ لی و وها اوک، ۲۰۰۲) و رضایت زناشویی زنان (فرحبخش، ۲۰۱۱) است. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین پژوهش‌ها نشان داده است که سبک‌های حل تعارض با کیفیت رابطه‌ی زناشویی (دیلدار و همکاران، ۲۰۱۳، هاروکس، ۲۰۱۰؛ چنگ، ۲۰۱۰)، استفاده از سبک غیر سازنده با افسردگی و ناراضی زناشویی (اسچودیک، پاپ و کامینگز، ۲۰۱۱) و کیفیت بد رابطه‌ی زناشویی (خجسته مهر و کوچکی و رجبی، ۲۰۱۲) رابطه دارد. صمیمیت نیز با طرح‌واره‌های ناسازگار در خانواده‌ی اصلی (ذوالفقاری، فاتحی و عابدی، ۲۰۰۸) و تجربه‌ی خشونت در کودکی (خمسه و حسینیان، ۲۰۱۰) رابطه دارد. (حسینی، نظری، رسولی، شاکرمی و حسینی، ۱۳۹۳).

پژوهش‌ها حاکی از آن است که رضایتمندی روابط زوجین با سبک‌های تعارض همبستگی بالایی دارد. زوج‌های سازگار اعمال مثبت همسران خود را ارج می‌نهند و راحت‌تر می‌توانند اعمال منفی آن‌ها را تحمل کنند. در مقابل زوج‌های ناسازگار، بیشتر به موارد منفی فکر کرده و زمان زیادی را صرف توجه به جنبه‌های ناخوشایند همسران خود می‌کنند و در درک ویژگی‌های جبرانکننده و مثبت آنان مشکل دارند. پژوهش برادبوری و همکاران نشان داد زوجینی که رفتارهای رقابت‌آمیز با همسرانشان داشتند، رفتارهای اجتنابی بیشتری در برابر آنان از خود نشان دادند. پژوهش دیگری نشان داد بزرگسالانی که راهبردهای حل تعارض سازنده تری دارند، رضایت زناشویی آن‌ها با دوامتر است (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۲). بنا به نظریه سیستمی، سطح اضطراب جاری، شیوه‌های برخورد با اضطراب، و شدت استرس‌ورهای جاری، یا وقایع التهاب‌زا، که تشدیدکننده اضطراب و فرآیندهای آن در سیستم خانواده گسترده است، عوامل اصلی تعیین‌کننده زمان، شدت و تداوم تعارض

زناشویی است (ثنایی، ۱۳۷۸ ب). باید توجه داشت که همیشه احتمال برخورد و اصطکاک در سیستم وجود دارد، لذا این سیستم باید خود را برای ایجاد تغییرات بافتی مورد نیاز آماده کند (مینوچین و فیمنشن^{۳۷}، ۱۹۸۹؛ بهاری و سیا، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر، وجود یا عدم تعارض نیست که کیفیت ازدواج را تعیین می کند، بلکه چگونگی مقابله با شرایط تعارضی است که کیفیت رابطه را تعیین می کند (وود^{۳۸}، ۱۹۹۷). نتایج حاصل از تحقیق استنلی، مارکمن و ویتون^{۳۹} (۲۰۰۲) نشان دهنده آن است که بنیان رابطه موفق در پویایی های ارتباط، تعارض و تعهد نهفته است. هر یک از این مفاهیم در روابط صمیمانه باعث ایجاد حس امنیت یا فقدان آن می شود. بنابراین، همسرانی که توانایی مقابله سازنده با تعارض، ارتباطات مثبت زیاد و تعاملات منفی کمی دارند، محیطی را ایجاد می کنند که اجازه بی پرده گویی^{۴۰} و پذیرش آسیب ها را به آن ها می دهد.

نظریه پردازان مفاهیم تعارض نیز در دهه های اخیر، بر فرایندهای نظم دهی هیجانی متمرکز شده اند (لازاروس، ۱۹۹۳). از این جهت، نظریه دلبستگی می تواند تفاوت های فردی در نظم دهی به هیجان ها یا تنظیم عواطف را تبیین کند. فاندلینگ (۱۹۹۸) با مروری بر پژوهش های مختلف در مورد سبک های مختلف نظم دهی هیجانی نشان داده است که در هر مرحله از فرایند مقابله، سبک های دلبستگی بر نحوه نظارت بر توجه^{۴۱} در چهارچوب رویدادهای تنیدگی زا (میکولنسر و ناچسون، ۱۹۹۱)؛ پردازش اطلاعات (زاروف و فیزپاتریک، ۱۹۹۵) و دسترسی به منابع اجتماعی مقابله^{۴۲} (فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۶) تاثیر می گذارند. این تفاوت در سبک های دلبستگی می تواند به پردازش افراطی^{۴۳} هیجان ها در افراد دو سوگرا یا به منزوی سازی یا قطع هیجان ها در افراد اجتنابگر اسناد داده شود (کامین، ۱۹۹۶). اسپنگر و زیمرمن (۱۹۹۹) از مطالعات روانی - زیست شناختی^{۴۴} در مورد دلبستگی و نظم دهی به هیجان ها چنین نتیجه گرفته اند که سبک های انعطاف ناپذیر نظم دهی به هیجان ها، بین سطوح متفاوت مقابله در افراد دارای دلبستگی نایمن در مقایسه با افراد ایمن مغایرت بیشتری ایجاد می کنند (بشارت و شالچی، ۱۳۸۶).

در مجموع چنین به نظر می رسد که تعاملات متعارض در روابط نزدیک، به ویژه تعارضات زناشویی سبک های دلبستگی را در افراد فعال می کند (کوباک و داملا، ۱۹۹۴). شمار زیادی از پژوهشهای گذشته با بکارگیری متدولوژی مختلف نشان می دهند که ارکان و مفاهیم نظریه دلبستگی در زمینه روشن سازی فرایندهای تعارض به کار گرفته شده اند و دلبستگی بر سبک های مختلف حل تعارض در روابط نزدیک تاثیر می گذارد (کاریرماک و دوران، ۲۰۰۸ بن -اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹؛ شی، ۲۰۰۳؛ کوکران و مالینکروود، ۲۰۰۰؛ کریزی و هسن - مکینز، ۲۰۰۱؛ اسپچارف و بارثولومی، ۱۹۹۵، لوی و داویس، ۱۹۸۹؛ پیستول، ۱۹۸۹؛ سیمون و همکاران، ۱۹۹۶؛ کرمی بلداجی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین پژوهش ها نشان داده اند که مدیریت تعارض به کیفیت روابط بین افراد، رضایت موجود در این روابط و اسنادی که در مورد طرف مقابل به کار برده می شود، وابسته است (داملا^{۴۵} و بوتاتا^{۴۶}، ۲۰۰۰). پژوهش ها هم چنین، نشان می دهند که افراد، تعارض های گوناگون را به شیوه های متفاوتی مدیریت می کنند. پژوهشگرانی که در مورد سبک های تعارضی کار کرده اند، نشان داده اند، بیش تر اوقات افراد تمایل دارند در طول زمان سبک های خود را تغییر ندهند (کانری^{۴۷} و لیکی^{۴۸}، ۲۰۰۶؛ کانری، ۲۰۱۰). سبک های تعارضی هم چنین پیش بینی کننده ی برخی از رفتارهایی هستند که در تعارضات ظاهر می شوند (کنراد^{۴۹}، ۱۹۹۱). بنابراین، به نظر می رسد سبک حل تعارض سازنده و مسأله محور به خوبی کیفیت روابط رضایت بخش زناشویی را پیش بینی کند.

بنابراین با توجه به یافته ها می توان رضایت زناشویی را با توجه به سبک های دلبستگی و از طریق آموزش سبک های حل تعارض سازنده و مسأله محور بهبود بخشید. بر اساس یافته های پژوهش حاضر می توان نتیجه گرفت که سبک های دلبستگی از طریق سبک های حل تعارض سازنده بر رضایت زناشویی تأثیرگذار است.

37 - Minochin, A., & Fishman, G.

38 - Wood, G.

39 - Stanley, Markman, H.J, & Withon

40 - self-disclosure

41 - attention management

42 - social coping resource

43 - excessive processing

44 - psychobiological

45 - Dumlao, K.

46 - Botta, T.

47 - Canary, M.

48 - Lakey, G.

49 - Conrad, M.

سپاس‌گزاری

این مقاله برگرفته شده از یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب می‌باشد، لذا نویسندگان مقاله بر خود واجب می‌دانند تا از معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و همچنین آزمودنی‌های پژوهش که در اجرای این تحقیق ما را همراهی کردند، تشکر و قدردانی نمایند.

منابع و مراجع

- [۱] امان الهی، عباس؛ اصلانی، خالد؛ تشکر، هاجر؛ غوابش، سعاد و نکوئی، سمیه (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سبکهای دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی، مجله علمی- پژوهشی مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز، ۶۷-۸۶.
- [۲] باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین شیوه های حل تعارض ارتباطی و سلامت روانشناختی دانشجویان، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال اول، (۴)، ۲۸-۴۶.
- [۳] بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹)؛ ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسالان؛ دانشگاه تهران.
- [۴] بیرامی، منصور؛ باباپور خیرالدین، جلیل؛ هاشمی نصرت آباد، تورج؛ اسمعیلی، اسماعیل و بهادری خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۲)، پیش بینی رضایت مندی زناشویی براساس مؤلفه های هوش هیجانی و شیوه های حل تعارض، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، سال هفدهم، شماره ۳ (پیاپی ۶۸)، مرداد و شهریور، صص ۲۷-۲۱.
- [۵] پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط سبک دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوان. رساله دکتری روان شناسی. دانشگاه تهران.
- [۶] ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.
- [۷] ثنایی، باقر. (۱۳۷۸). مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.
- [۸] حسینی، سید محمد؛ نظری، علی محمد؛ رسولی، محسن؛ شاکرمی، محمد و حسینی، سید محسن (۱۳۹۳)، رابطه ی سلامت خانواده اصلی با صمیمیت زناشویی: بررسی نقش واسطه ای سبکهای حل تعارض سازنده و غیر سازنده، مجله علمی-پژوهشی اندیشه و رفتار، دوره ی هشتم، شماره ۳۲، صص ۸۹-۶۷.
- [۹] حسینیان، سیمین. شفیععی نیا، اعظم . (۱۳۸۴) بررسی تاثیر آموزش مهارت های حل تعارض بر کاهش تعارض های زناشویی زنان. اندیشه های نوین تربیتی. سال ۱. شماره ۴. صص ۲۲-۷.
- [۱۰] حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری، فصلنامه خانواده پژوهشی، سال سوم، شماره ۹.
- [۱۱] خوش لهجه صدق، مریم؛ صلیبی، ژاسنت (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سبک های دلبستگی و سلامت عمومی با رضایتمندی زناشویی در کارکنان زن متاهل دانشگاه تربیت مدرس، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، سال ششم، بهار، صص ۷۵-۱۰۷.
- [۱۲] دانش، عصمت و حیدریان، مریم . (۱۳۸۵) رابطه علاقه و احترام متقابل با رضایت زناشویی همسران در شهرستان قم. فصلنامه تازه ها و پژوهش های مشاوره. سال پنجم، شماره ۱۸. صص ۶۸-۵۹.
- [۱۳] دیباجی فروشانی، فاطمه سادات ، امامی پور، سوزان و محمودی، غلامرضا. (۱۳۸۸). رابطه ی سبکهای دلبستگی و راهبردهای مدیریت تعارض با رضایت زناشویی، مجله ی اندیشه و رفتار، ۳، ۱۱، ۸۷-۱۰۱.
- [۱۴] سپاه منصور، مژگان؛ امامی پور، سوزان و حسن زاده فرشید، ساناز (۱۳۸۸)، رابطه ی سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند- والد بر نگرش فرزندان نسبت به والدین، اندیشه و رفتار، دوره ی چهارم، شماره ی ۱۴.
- [۱۵] کرمی بلداجی، روح الله؛ ثابت زاده، ماجده؛ فلاح چای، سید رضا و زارعی، اقبال (۱۳۹۳)، سبک های دلبستگی بزرگسالان به عنوان پیش بینی کننده سبک های حل تعارض زناشویی در بین دبیران متأهل شهر بندر عباس، فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، سال چهارم، شماره ۱، بهار، صص ۱۱۲-۸۵.
- [۱۶] کریمی، پروانه؛ کرمی، جهانگیر و دهقان، فاطمه (۱۳۹۳)، رابطه سبکهای دلبستگی و سبکهای حل تعارض با فرسودگی زناشویی کارکنان متأهل، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره ی چهارم، زمستان، صص ۷۰-۵۳.
- [۱۷] کرین؛ سی ویلیام (۱۳۹۱)، پیشگامان روانشناسی رشد؛ فدایی، فرید؛ تهران؛ انتشارات اطلاعات.
- [۱۸] نوایی نژاد، شکوه؛ دوکانه ای فرد، فریده و آقاجانی، فرنوش (۱۳۸۸)، بررسی رابطه ی سبک دلبستگی و شادکامی با رضایت زناشویی متأهلین شاغل در بیمارستان خاتم الانبیاء شهر تهران، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، سال دوم، شماره ششم، زمستان، صص ۱۴۹-۱۲۱.
- [۱۹] نیلفروشان، پریسا و نویدیان، علی (۱۳۹۳)، ترکیب ابعاد دلبستگی همسران و رضایت زناشویی زوجین، مجله ی اصول بهداشت روانی، سال ۱۶ (۳)، پاییز، صص ۴۸۳-۴۷۶.

- [20] Bartholomew, K., & Horowitz, L. K. (1991). Attachment styles among young adults: a test of A four – category model. *Journal of personality and social Psychology*, 61, 226-244.
- [21] Ben-Ari, Hishberg, I. (2009). Attachment styles, conflict perception, and adolescents, strategies of coping with inter personal conflict, *Negotiation Journal*, ABI/ IN Form global, 59-82.
- [22] Corcoran, n.k., & mallinckroodt, B. (2000). adult, attachment, self-efficacy , perspective taking and conflict resolution. *Journal of counseling/development*, 78, 473-48.
- [23] Crittenden, P. M. (1992). Quality of attachment in the preschool years. *Development and Psychopathology*, 4, 209-241.
- [24] Gottman, J. M. (1999). *The seven principles for making marriage work*. New York: Bantam.
- [25] Hazan, C. & Shaver, P. (1987) Romantic Love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524.
- [26] Henning, M. (2003). *Evaluation of Conflict Resolution Questionnaire* Master Thesis, Auckland University of Technology.
- [27] Karairmak, ozlem & Duran, negihan, Oguz. (2008). Gender differences in attachment style regarding conflict handling behaviors among Turkish late adolescents, original article, 30:220-234.
- [28] Kobak, R. P. & hazan, C. (1991). Attachment in marriage: effects of security and accuracy in working models. *Journal of personality and social psychology*. 60.67- 74.
- [29] Kobak, R. R., & Duemmler, S. (1994). Attachment and conversation: Toward a discourse analysis of adolescent and adult security. In K. Bartholomew & D. Perlman
- [30] Mikulicer, M., & Erev, I. (1991). Attachment style and patterns of self-disclosure. *Journal of personality and Social psychology*. 30:273-291.
- [31] Mikulincer, M., & Florin, V. (2001). Attachment style and affect regulation: implications for coping with stress and mental health. In G. J.
- [32] Papalia, D. E. (2002). *A child's words: infancy through adolescence*. New York: Mcg
- [33] Pistole, M. C. (1989). Attachment in adult romantic relationships: Style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*,
- [34] Rahim, M. A. (1983). A measure of styles of handing interpersonal conflict. *Academy of management Journal* 26(2):368- 376.
- [35] Scharfe, E., & Bartholomew, K. (1995). Accommodation and attachment representations in young couple. *Journal of social and Personal relationship*, 9:51-64.
- [36] Shaver, P. R., Collins, N., & Clark, C. L. (1999). Attachment styles and internal working models of self and relationship patterns. In G. J. O. Fletcher & J. Fitness (eds). *Knowledge struction in close relationship: a socio psychological approach*. (pp25- 61). Mahwah, N. J: Erlbaum.
- [37] Shi, L. (2003). The Association between adult attachment styles and conflict resolution in romantic relationships. *The American journal of family therapy*, 31: 143-157.
- [38] Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships: An
- [39] Steuber, K. R. (2005). *Adult attachment, conflict style and relationship satisfaction: comprehensive model*. Unpublished master's thesis, Del aware university.